



جایگاه اوراق مشارکت در نظام اقتصاد اسلامی

پدیدآورنده (ها): مومن، محمد

ادیان، مذاهب و عرفان :: نشریه معرفت :: بهار ۱۳۷۸ - شماره ۲۸ (ISC)

صفحات: از ۱۰ تا ۱۷

آدرس ثابت: <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/12302>

تاریخ دانلود: ۱۴۰۲/۰۷/۱۶

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- نقش صکوک اجاره و اوراق مشارکت در تأمین مالی شرکت ها
- بررسی فقهی تضمین سرمایه در اوراق مشارکت
- بررسی ماهیت فقهی و حقوقی و سود علی الحساب اوراق مشارکت
- بررسی فقهی سود اوراق مشارکت دولتی در طرح‌های عام‌المنفعه
- امکان‌سنجی فقهی اوراق مشارکت مصون از تورم
- تحولات وکالت دادگستری و کانون وکلا؛ از تبعیت به استقلال، از استقلال به تبعیت؟
- تأثیر ساختارهای حکومتی بر ماهیت نظام سیاسی از منظر عاملیت و ساختار
- چگونگی مواجهه حکومت قاجار با مسأله مشروعیت
- شورای امنیت سازمان ملل متحد و حمایت از کودکان در درگیری‌های مسلحانه
- اوراق مشارکت منتشره در ایران و صکوک مشارکت
- منطق ارسطویی و سیستماتیک در حقوق ایران
- امکان سنجی اجرای نظریه حکمرانی خوب در جوامع اسلامی با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران

عناوین مشابه

- جایگاه اوراق مشارکت قابل تبدیل به سهم در اقتصاد مالی ایران
- جایگاه دیپلماسی نفت در نظام اقتصاد جهانی؛ مطالعه موردی: جمهوری اسلامی ایران
- تحلیل آثار اقتصاد کلان اوراق بهادارسازی در نظام بانکی جمهوری اسلامی ایران
- بررسی جایگاه زنان در مشارکت سیاسی نظام اسلامی
- مشارکت برای آینده نگری ضرورت تبیین جایگاه نظام بیمه های اجتماعی در سند چشم انداز جمهوری اسلامی ایران
- بررسی جایگاه زنان در مشارکت سیاسی نظام اسلامی
- نقش و جایگاه سیاسی زن در سیاستنامه خواجه نظام الملک طوسی: تقابل دیدگاه تحریم و تجویز مشارکت سیاسی زنان در عصر سلجوقی
- سناریوهای پیش روی آینده جایگاه ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران در نظام قدرت منطقه‌ای غرب آسیا در افق ۱۴۱۰
- جایگاه فقه و معارف اسلامی در فرهنگ سازمان های اطلاعاتی و امنیتی نظام جمهوری اسلامی ایران
- جایگاه و نقش مبانی نظام حقوقی در تفسیر اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

مشارکت اقتصادی در قانون، پیش‌بینی شده و برای این منظور اوراقی هم چاپ شده است که خریداران می‌توانند به مقدار مصوب در قانون آن را خریداری کنند. پولی که هر یک از خریداران به این منظور می‌پردازد سرمایه انجام کارهای اقتصادی مورد نظر را به وجود می‌آورد.

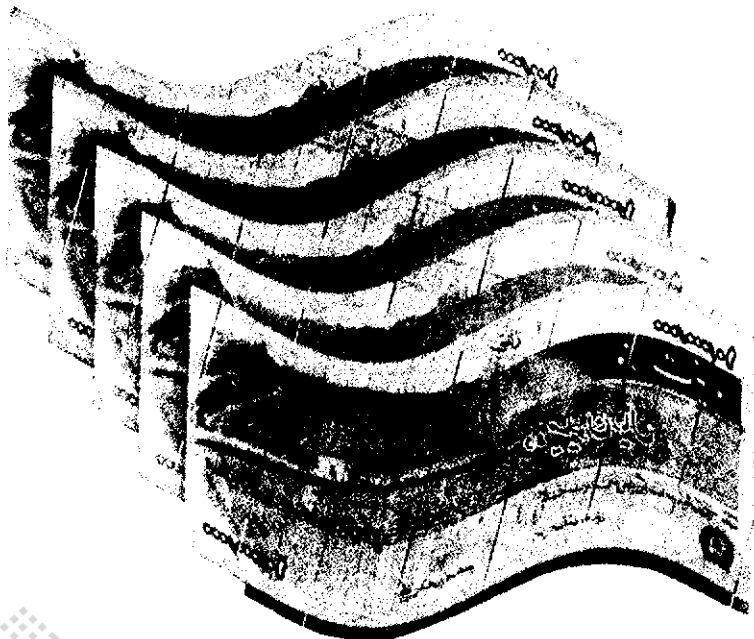
«اوراق مشارکت» به هر گونه برگه‌ای گفته می‌شود که نشان دهنده مقدار سهام معینی برای انجام کارهای مشارکتی اقتصادی خاصی در نظر گرفته شده است. بر اساس قرارداد بین طرفین، مبلغ معینی برای این اوراق در نظر گرفته می‌شود و افراد به هر اندازه که بتوانند در آن شرکت می‌کنند. برای آن‌که این اوراق رسمیت قانونی پیدا کند، یک بانک یا یک مرکز اقتصادی این اوراق را از طرف مؤسسان شرکت مورد نظر چاپ می‌کند و به خریداران تضمین می‌دهد که اصل پول آنان و سود سرمایه‌شان پرداخت خواهد شد. اوراق مشارکت جزو اوراق بهادار است و در بازار سهام قابل خرید و فروش می‌باشد، البته به شرط آن‌که در بازار سهام پذیرفته شود. نتیجه خرید اوراق مشارکت در نهایت، شریک شدن در کارهای اقتصادی مورد نظر است.

البته کار اقتصادی باید مشروع باشد. سود حاصل از کار انجام شده هم به نسبت مشارکت اعضا، تقسیم می‌شود. و این تفاوتی نمی‌کند که سود از راه سرمایه اوراق مشارکت به دست آمده باشد یا از راه شراکتی دیگر؛ چون ممکن است چند نفر بدون چاپ اوراق مشارکت، با داشتن سرمایه‌ای معین یک کار اقتصادی انجام دهند. اگر این کار سود شرعی داشته باشد، به نسبت سرمایه‌ای که هر کس سرمایه‌گذاری کرده است، در سود شریک خواهد بود.

اما تفاوت اوراق مشارکت با سرمایه‌گذاری در شرکت‌های خصوصی در این است که در خرید اوراق مشارکت، اوراق رسمی که به تضمین بانک رسیده و پرداخت اصل پول و سود علی‌الحساب را ضمانت کرده است، در اختیار سرمایه‌گذاران قرار می‌گیرد. اما شرکت‌های خصوصی چنین رویه‌ای ندارند؛ عده‌ای از افراد با اعتمادی که به یکدیگر دارند شرکتی تأسیس می‌کنند و سود حاصل شده را به نسبت سرمایه‌شان تقسیم می‌نمایند.

هر برگ از اوراق بهادار مقدار مشارکت فرد را معین می‌کند. این اوراق به راحتی قابل تبدیل به پول است؛ مانند چک یا سفته. همان‌گونه که در چک یا سفته بانکی، که آن‌ها را صادر کرده، تعهد نموده است و جهش را بپردازد، این اوراق هم فی‌نفسه ارزشی ندارد، بلکه ارزش سندی دارد و به همین دلیل، معتبر است. سودی هم که از آن به دست می‌آید متناسب با سرمایه هر شخص است. و در حقیقت سود سرمایه او است.

می‌توان گفت: این اوراق نوعی سند است که مالکیت شخصی را معین می‌کند و دولت و ناظران قانونی هم برایش ارزش قایلند. ارزش قانونی آن هم به لحاظ دلالت سندی آن است که تعهد شده



جایگاه اوراق مشارکت

در نظام اقتصاد اسلامی

در گفت و گو با
آیه‌الله محمد مؤمن

اشاره

متن حاضر حاصل دو سخنرانی و پرسش و پاسخ آیه‌الله محمد مؤمن در بین جمعی از محققان و دانش پژوهان دفتر همکاری حوزه و دانشگاه و مؤسسه آموزش و پژوهش امام خمینی (علیه السلام) در نشست ماهانه مجمع طلاب فارغ‌التحصیل در رشته اقتصاد می‌باشد که از نظراتان می‌گذرد:

بحث اصلی ما در این جلسه، تعریف اوراق مشارکت، تمایز اوراق مشارکت از اوراق قرضه و همچنین تمایز این دو از اوراق سهام است.

«مشارکت» عبارت است از شریک شدن چند نفر یا چند شخصیت حقیقی یا حقوقی با یکدیگر برای انجام کاری خاص.

اصل مبلغ پرداخت شده در ازای آن و سود آن مبلغ پرداخت شود. در تاریخ ۲۱ مرداد سال ۷۶ لایحه‌ای از طرف دولت به مجلس فرستاده شد. این لایحه در خصوص نحوه انتشار اوراق مشارکت بود. مجلس آن را تصویب کرد، اما در خصوص انطباق آن با قانون اساسی، شورای نگهبان نسبت به ماده ۷ این قانون اعتراضی وارد کرد؛ چون مبلغ حاصل از فروش این اوراق جزو درآمدهای عمومی است و درآمدهای عمومی دولت بر حسب اصل ۵۳ قانون اساسی باید به خزانه‌داری کل واریز شود. بنابراین، لازم است وزیر اقتصادی و دارایی حساب دیگری نزد خزانه‌داری کل برای واریز این وجوه تعیین کند. براساس ماده ۷ لایحه مزبور، باید ظرف مدت ده روز از تاریخ پرداخت یا تأسیس، وجوه جمع‌آوری شده به حسابی که توسط خزانه‌داری کل تعیین می‌شود، واریز گردد. قانون مزبور به مجلس شورای اسلامی ارجاع گردید و پس از اصلاح، مجدداً در تاریخ ۷۶/۷/۲ به شورای نگهبان ارسال شد و مورد تأیید قرار گرفت.

براساس این قانون، در راستای اجرای طرح‌های عمرانی - انتفاعی دولت، به دستگاه‌های ذی‌ربط و همچنین شرکت‌های سهامی عام و خاص اجازه داده می‌شود طبق مقررات این قانون، بخش‌هایی از منابع مالی مورد نیاز برای انجام این طرح‌ها را با چاپ اوراق مشارکت از مردم جمع‌آوری کنند و سود حاصل شده از این طرح‌ها را پس از تعیین قطعی به سرمایه‌گذاران بپردازند. سودی که این شرکت‌ها به صورت علی‌الحساب به مردم می‌پردازند قدر متیقنی است که برای این طرح‌ها در نظر گرفته می‌شود. بانک‌ها با شناختی که از طرح مورد نظر دارند، موضوع را برای تأیید به بانک مرکزی اطلاع می‌دهند، بانک مرکزی هم پس از بررسی و تأیید سودآور بودن طرح، به بانک‌ها اجازه چاپ و عرضه اوراق مشارکت را می‌دهد و اصل سرمایه و سود اوراق قرضه را تأیید می‌کند.

در مدت قریب پانزده سالی که من در شورای نگهبان بودم، چیزی تحت عنوان «اوراق قرضه» به وسیله مجلس تصویب نشد و به شورای نگهبان ارسال نگردید. بنابراین، من سابقه‌ای از این اوراق سراغ ندارم. اما قریب دو، سه سال پیش دولت به وزارت امور اقتصادی و دارایی اجازه چاپ اوراق قرضه را داد. مستند تصویب این همان قانون مصوب مجلس شورای ملی (سابق) در سال ۱۳۴۸ بود. آقای ناطق نوری این مصوبه هیأت دولت را خلاف شرع تشخیص داد، رئیس مجلس اجازه شورای اسلامی جناب چون بر قانون اساسی، مصوبات هیأت دولت نباید مغایر با شرع و قانون اساسی باشد و هر چه را دولت تصویب می‌کند باید نسخه‌ای از آن را برای تأیید انطباق با شرع و قانون اساسی نزد رئیس مجلس بفرستد. ماده ۱۲ مصوبه مزبور بر حسب نظر جناب آقای ناطق نوری مغایر شرع بود و برای کسب نظر نهائی به شورای

نگهبان ارسال شد و کار رسیدگی به آن به من واگذار گردید. «قرضه» همان وام است که یکی از دیگری می‌ستاند. اما برای این که این وام رسمیت قانونی پیدا کند، اوراق خاصی منتشر می‌کنند و هر فرد به مقداری که تصویب شده، می‌تواند آن‌ها را خریداری نماید. در واقع، این اوراق فی‌نفسه ارزشی ندارند، بلکه این اوراق سندی است که اعتماد به آن پولی را قرض می‌دهند، خواه به دولت باشد و یا به شخصی دیگر. اگر بخواهیم این وام‌ها به صورت شرعی باشد و اشکالی پیدا نکنند، باید مثل وام‌های قرض‌الحسنه، سودی به اصل پول تعلق نگیرد، وگرنه ربای قرض خواهد بود و حرام.

قانون اوراق قرضه در سال ۱۳۴۸ تصویب شد و در آن زمان، قانوناً ربا مجاز بود. در ۱۱ ماده از قانون ۳۴ ماده مزبور، ربا دادن و ربا گرفتن از دولت، شرکت‌ها و اشخاص مجاز شمرده شده بود. در این قانون، ربا به دو بخش تقسیم شده بود:

یکی ربای اسمی و آن مقدار پولی است که اضافه بر مبلغ وام برای وام‌دهنده در نظر شده است و در اوراق قرضه ذکر شده؛ مثلاً، ۱۰٪ یا ۲۰٪؛

دیگری ربای فعلی می‌باشد که ارزش همان اوراق قرضه در بازار است؛ مثلاً، سود تعهد شده از سوی دولت ۲۰٪ است، ولی برای کسب سود بیش‌تر، این اوراق بیش از مقدار معین شده‌اش در بازار به فروش برسد.

هر دو نوع ربای مزبور در قانون مذکور مجاز شمرده شده بود. ولی پس از بررسی، ۱۱ ماده آن به دلیل تجویز رباخواری، مخالف شرع تشخیص داده شد و این مطلب در نامه‌ای به رئیس مجلس شورای اسلامی ابلاغ گردید. همچنین این مطلب در روزنامه رسمی هم منتشر شد.

بنابراین، اوراق قرضه اوراقی قانونی است و متناسب با مبلغ در نظر گرفته برای آن‌ها، قابل خریداری است. وام‌گیرنده بر اساس این اوراق تعهد می‌کند که هم اصل وام را بپردازد و هم سود آن را. با ابطال ۱۱ ماده از ۳۴ ماده قانون مربوط به اوراق مصوب مجلس شورای ملی (سابق)، ما امروز قانونی برای اوراق قرضه نداریم.

برای ابطال این قانون در شورای نگهبان، به این صورت عمل شد: مطابق با اصل ۴ قانون اساسی، فقهای شورای نگهبان موظفند تمام قوانین و مقررات کشور را بررسی کنند و هر کدام را خلاف شرع تشخیص دادند، اعلام نمایند. برای این منظور، باید این نظرات از طریق روزنامه رسمی کشور، که زیر نظر دادگستری چاپ می‌شود، به اطلاع عموم برسد. در خصوص مصوبات مربوط به اوراق قرضه نیز این موضوع به همین صورت به اطلاع عموم رسانده شد. (از لحاظ قانونی، هر قانونی در این‌گونه روزنامه‌ها اعلام شود، پس از پانزده روز رسمیت قانونی پیدا می‌کند.)

سرمایه گذاری شرکت کرده، مالک شرکت می گردد. بر این اساس، اگر زیانی متوجه شرکت شود، سهامداران در آن نیز سهیم اند، به شرط آنکه عاملان مرتکب قصوری نشده باشند، در حالی که در اوراق قرضه، زیان به وجود آمده فقط متوجه مالک سرمایه گذاری است، نه وام دهندگان.

اوراق مشارکت در واقع، نوعی عقد مشارکت و شرعی است، هرچند امروز به صورت نظام مند در جامعه انجام می شود. اما در ظاهر، هیچ سخنی از زیان احتمالی در این سرمایه گذاری ها به میان نمی آید. آیا این موجب اشکال شرعی نمی شود؟ علاوه بر این، در صورتی که شخص ثالثی - غیر از دولت و سرمایه گذار - زیان سرمایه گذاری را تضمین کند - که در سرمایه گذاری های دولتی کنونی چنین شخصی وجود ندارد و طرفین قرارداد فقط دولت و سرمایه گذار است - آیا در این صورت، باز هم عقد مشارکت صورت واقعی خود را دارد یا نه؟

اگر اوراق مشارکت برای اجرای طرح های دولتی و عام المنفعه چاپ شد، منظور از آن مشارکت مردم در طرح های انتفاعی دولت مندرج در قوانین بودجه سالانه کل کشور و طرح های سودآور تولیدی، ساختمانی و خدماتی است که از سوی دستگاه های وابسته به دولت و شرکت های سهامی عام و خاص و شرکت های تعاونی و تولیدی تحت پوشش وزارت تعاون انجام می شود. دولت در اجرای این طرح ها نظارت دارد و اجازه می دهد طبق مقررات این قانون، بخشی از منابع مالی مورد نیاز را برای اجرای طرح های مورد نظر شامل منابع مالی لازم برای تهیه مواد اولیه مورد نیاز واحدهای تولیدی، از طریق انتشار و عرضه عمومی اوراق مشارکت تأمین شود. شرکت های دولتی، شهرداری ها و همچنین مؤسسات غیر عمومی هم می توانند برای عرضه اوراق مشارکت اقدام کنند.

به عنوان مثال، در تبصره ۴۸ قانون بودجه سال ۱۳۷۷ آمده است: «به وزارت نیرو و شرکت ها و سازمان های تابعه، اجازه داده می شود برای تکمیل عملیات اجرایی طرح های تأمین آب و شبکه های آبیاری و زه کشی مندرج در پیوست شماره یک این قانون، از سرمایه های مردم تا مبلغ سیصد میلیارد ریال به طریق مشارکت استفاده نماید. دولت مکلف است پس از تکمیل هر طرح، آن را به مأخذ هزینه های تمام شده دوره ساخت، با احتساب سود قطعی مربوط به اوراق مشارکت خریداری نماید.» وقتی دولت طرح های مورد نظر را به انجام رساند، اوراق در دست مردم

پس به طور خلاصه می توان گفت: اوراق قرضه، قانونی است و قرض گیرنده (دولت، شرکت ها یا اشخاص) آن ها را به مردم می فروشند و برای این که رسمیت قانونی داشته باشد، از طریق بانک ها توزیع می شود و در بین مردم هم قابل خرید و فروش است. این اوراق ممکن است بی نام یا بانام باشد. اوراق با نام اوراقی است که مشخصات هر کس در آن نوشته شده و انتقال آن به دیگری نیاز به گذراندن مراحل دارد؛ مثلاً، ثبت در پرونده اوراق مزبور و یا مراجعه به شعبه خاصی از بانک یا شرکت مورد نظر. اما اوراق بی نام مشخصات کسی بر روی آن ثبت نشده است، فقط مقدار پولی را که بابت آن پرداخت شده نشان می دهند؛ مانند چک های تضمینی - البته نه چک های تضمین شده به صورت امروزی که امضای خریدار و فروشنده دارد، بلکه چک های تضمینی سابق که بانک تعهد کرده بود مبلغ آن را به حامل بپردازد.

تفاوت اوراق مشارکت با اوراق سهام در چیست؟

در مورد اوراق سهام، شرکت هایی که به صورت سهامی تأسیس می شود، اصل کارشان به این صورت است که چند نفر با توافق یکدیگر شرکتی را تأسیس می کنند تا از سرمایه دیگران برای انجام فعالیت های مورد نظر خود استفاده کنند. در این سرمایه گذاری، هیأت مدیره شرکت سهامی مبلغ معینی را به عنوان سرمایه شرکت در نظر می گیرند و آن را به تعداد معینی سهام تقسیم می کنند و تعیین می نمایند که سرمایه گذاران می توانند طبق اساسنامه شرکت، به مقداری که مجازند، اوراق سهام خریداری کنند.

اما در اوراق مشارکت، به خلاف اوراق سهام این طور نیست که مثلاً، برای تأسیس یک کارخانه خاص، برای جمع آوری مبلغی معین، اوراق بهادار به فروش برسد، بلکه مثلاً، برای کار تجارت یا یک کار اقتصادی که جنبه عمومی دارد، تعدادی اوراق بهادار عرضه می شود. در این گونه مشارکت ها، به عکس شرکت های سهامی، اصل سرمایه مقدار معین و ثابتی نیست، بلکه فقط تعیین می کنند که به سرمایه گذاران چند درصد سود بپردازند.

بنابراین، تفاوت اصلی اوراق مشارکت با اوراق سهام در این است که در اوراق مشارکت، سقف خاصی برای سرمایه گذاری در نظر گرفته نمی شود. البته اوراق سهام نیز ممکن است مانند اوراق قرضه یا مشارکت با نام یا بی نام باشد.

تفاوت این دو با اوراق قرضه در این است که در اوراق قرضه، خریدار فقط مالک اصل سرمایه است و سودی به او تعلق نمی گیرد، بلکه قرض گیرنده مالک سرمایه گذاری و سود آن است. ولی در اوراق مشارکت یا سهام، سرمایه گذار از سود سرمایه گذاری نیز بهره مند می شود، علاوه بر آن که اصل سرمایه اش نیز تضمین شده است. همچنین به میزانی که در

را، یعنی سهامی را که مردم از این طرح انجام شده، نکنند خریداری می‌کند و سرمایه سود قطعی آن‌ها را به مردم می‌پردازد.

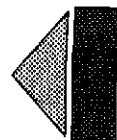
بنابراین، منظور از این که دولت خودش سرمایه گذاری می‌کند و خودش هم طرح را پس از انجام، خریداری می‌کند همین است. تحلیل فقهی قضیه به این صورت است که دولت سرمایه انجام کاری را از مردم تأمین کند و برای این کار، قرارداد مشارکت با آن‌ها منعقد نماید تا کار انجام شده برای مردم باشد؛ مثلاً، سرمایه ساخت نیروگاه برق را از مردم تأمین کند. سپس با احتساب سود قطعی، آن را به همراه اصل سرمایه‌ای که پرداخت کرده‌اند به آن‌ها بازگرداند.

گاهی ممکن است دولت با مردم در این سرمایه گذاری‌ها شریک باشد؛ مثلاً، ۵۰٪ سرمایه از مردم باشد و ۵۰٪ از دولت. به نظر می‌رسد در این صورت، پس از این که دولت سرمایه‌ها را از مردم گرفت، به این دلیل که خودش مجری این کار اقتصادی است، نسبت به مقداری که مردم سرمایه داده‌اند دولت سرمایه‌های مردم را به وکالت از طرف آن‌ها برای کار مورد نظر به مصرف می‌رساند. در این حالت، دولت، که مجری طرح است، مانند شرکای خصوصی عمل می‌کند. این گونه قرارداد مشارکت پس از مرحله دریافت پول توسط دولت منعقد و سپس اجرا می‌شود.

در جلسه‌ای که با مسئولان بانک مرکزی داشتیم، اظهار می‌داشتند که ما با پول‌های مردم برای خودشان کار می‌کنیم. البته این صحبت آن‌ها درباره سرمایه‌های ثابت مردم بود که در بانک‌ها نگهداری می‌شود. می‌گفتند: در هر کاری که می‌خواهد با این پول‌ها انجام شود، حساب می‌کنیم که دست کم، ۲۵٪ سود داشته باشد. با این شرط، سرمایه گذاری می‌کنیم نه آن‌که به دیگران برای سرمایه گذاری قرض دهیم. شرکت‌های خصوصی هم وقتی برای سرمایه گذاری از بانک تقاضای پول می‌کنند که بدانند می‌توانند دست کم ۵۰٪ سود ببرند؛ چون می‌دانند که ۲۵٪ از سود حاصل شده را باید به بانک بدهند. آقایان تأکید داشتند که ما برای دنیای مردم، آخرت خودمان را از دست نمی‌دهیم.

در خصوص اوراق مشارکت هم سود عاید شده بر حسب قاعده، متعلق به سرمایه گذار است؛ یعنی: اگر بانک تعهد می‌کند که به سرمایه گذار ۲۰٪ سود بدهد، به دلیل شریک بودن سرمایه گذار در طرح است. اگر هم ضرری در کار باشد به همه وارد می‌شود. در غالب موارد، مسأله به همین صورت است. این مسأله هم که سرمایه بیش از ۲۰٪ عایدی داشته باشد، به ندرت اتفاق می‌افتد. که البته در این صورت باید سود زائد نیز به سرمایه گذار داده شود.

اگر بانک ضرری را که به سهامدار وارد می‌شود تضمین کند و سود را هم به صورت معین و علی - الحساب پرداخت نماید، این چه فرقی با ربا دارد؟



تضمین سود هیچ اشکالی ندارد. تضمین تعهد فوق‌العاده‌ای است که به شرکا اطمینان خاطر می‌دهد، وگرنه در موارد عادی، همان‌گونه که آقای نوربخش می‌گفتند، پرداخت سود به سرمایه گذاران بستگی به سرمایه‌های دراز مدت مردم دارد. به عنوان مثال، ما با ۲۵٪ سود، پول در اختیار شرکت‌های خصوصی قرار می‌دهیم و مطمئن هستیم که این مقدار سود خواهیم داشت. به عنوان نمونه، کسانی که برای ساخت بناهای مسکونی از بانک پول به عنوان سرمایه می‌گیرند، با این که فقط ۲۵٪ سود به بانک می‌پردازند، حاضر نیستند با دریافت ۳۰٪ سود، این بناها را به بانک واگذار کنند. بنابراین، تضمین بانک در بیش تر موارد، فقط اطمینان بخشی بانک به سرمایه گذاران واقعی که مردمند است که بدانند سرمایه‌شان از بین نمی‌رود. حال اگر این طرح‌های شرکت‌های خصوصی با زیان مواجه شد، آیا موظفند سودی را که تعهد کرده‌اند به بانک بپردازند؟ در این جا، فقط صحبت می‌شود که بانک در سود و زیان سرمایه گذاری شریک است. این موضوع نیاز به بحث مفصل تر در فرصت دیگری دارد.

البته شورای نگهبان طبق قانون اساسی، موظف است آنچه را در مجلس تصویب می‌شود بررسی کند و موافقت یا مخالفت آن را با قانون اساسی یا شرع مقدس اعلام نماید. اما طرح‌هایی را که دولت اجرا می‌کند یا در سرمایه گذاری‌هایی مشارکت می‌نماید، این مطالب اصلاً در شورای نگهبان مطرح نمی‌شود تا نسبت به آن‌ها نظر داده شود. بنابراین، موضوع رد یا قبول آن از سوی شورای نگهبان منتفی است.

اما این مطلب ذهن عده‌ای را مشوش کرده است، به خصوص کسانی را که وارد کارهای تحقیقی در این زمینه شده‌اند که مبادا این کارها شرعی نباشد. آیا شریکی که در سرمایه گذاری و مضاربه شرکت می‌کند و برگه تضمینی می‌گیرد در زیان کار هم شریک است؟ بانک هم به همین صورت، پولی را که در اختیار عامل قرار می‌دهد کار به سود و زیانش ندارد، فقط ۲۵٪ سود خود را می‌گیرد. آیا واقعاً می‌توان محملی شرعی برای این کار پیدا کرد؟ باید این مسائل را تبیین کرد تا مردم با خیال راحت اقدام به سرمایه گذاری کنند، وگرنه این راه هم بسته می‌شود و فکر و پول مردم سرگردان می‌ماند.

پس از مدت‌ها بررسی و مطالعه، در مرداد ماه ۱۳۶۲، شورای نگهبان اصولی از بانک‌داری اسلامی بدون ربا را تصویب کرد که بر اساس آن، بانک‌ها می‌توانند سرمایه‌های مردم را جذب کنند و در معاملاتی که شرعاً جایز است مصرف نمایند؛ از قبیل مضاربه، مزارعه، مساقات و مانند آن‌ها. در آن زمان، در آیین نامه‌های بانکی هم این نکته شرط شده بود که بانک‌ها به همان معاملات شرعی اکتفا کنند. بنابراین، از نظر شرعی، دست آن‌ها باز نیست که بتوانند کاری خلاف شرع انجام دهند. در جلسه‌ای که آن موقع با مسئولان



بانک مرکزی داشتیم، در حضور آقایان عادل و نوربخش، من این مطلب را گفتم که در پایان هر سال، گزارشی از وضعیت بانکها به مردم بدهید تا بدانند مثلاً، مبالغی را که بانک به آنها می‌پردازد به صورت علی‌الحساب بوده و سود واقعی سرمایه‌گذاری آنها چه قدر است تا مطمئن شوند که معاملات بانک شرعی است. البته این واقعیت هم وجود دارد که

اوراق مشارکت بر حسب تعریفی که شده، اوراقی است که تنها نشان‌دهنده مقدار سرمایه‌ای است که هر کس می‌پردازد و در کاری شریک می‌شود. کار شراکتی با سرمایه مجموع شرکا انجام می‌گیرد، و در نتیجه هر کس متناسب با سهمی که پرداخت کرده در سود سهام است و اگر زیانی هم متوجه کار شد باید همه در آن شریک باشند. حال سؤال این است که چرا شریک در زیان مشارکت ندارد؟

چه طور چنین تصور شده که خریدار در زیان شریک نیست؟ با توجه به سوابقی که از این کار در اختیار داریم، چنین برمی‌آید که این‌گونه نباشد. تأیید مطلب تبصره ۴۸ قانون بودجه سال ۷۷ است که ذکر کردم. این یک نحوه مشارکت است که بر اساس تصویب مجلس، به وزارت نیرو و شرکت‌ها و سازمان‌های تابعه آن اجازه داده شده سرمایه به دست آمده را مصرف کنند، کار مورد نظر را انجام دهند و با احتساب قیمتی که تمام می‌شود - با توجه به سود در نظر گرفته شده - آن را خریداری نمایند. در این تبصره، نیامده است که اگر سرمایه‌گذاری با شکست مواجه شد، سرمایه‌گذاران زیان آن را نپردازند. البته فرض شده که این سرمایه‌گذاری با سود همراه است و دولت هم ملزم گردیده که آن را به سرمایه‌گذاران بپردازد. به همین دلیل، در مصوبه سخنی از زیان به میان نیامده است. در مثال مزبور، مسؤول مشارکت، دولت است (وزارت نیرو و شرکت‌ها و سازمان‌های تابعه)، اما شرکت‌های سهامی عام یا خاص یا شرکت‌های تعاونی عمومی یا خصوصی هم می‌توانند به همین صورت سرمایه‌گذاری داشته باشند. آنها هم می‌توانند همان‌گونه که در ماده ۴ قانون مصوب بانک مرکزی جمهوری اسلامی آمده، طرح‌های مشمول قانون مزبور را به استثنای طرح‌هایی که مربوط به خود دولت است، اعم از طرح‌هایی که توسط شرکت‌های دولتی و شهرداری‌ها و مؤسسات و شرکت‌های غیردولتی ارائه می‌شود، به این بانک ارائه دهند تا پس از بررسی، در صورتی که دارای توجیحات کامل اقتصادی از لحاظ فنی و مالی باشد و پس از ارائه تضمین کافی از سوی مؤسسه یا شرکت متقاضی مبنی بر تلف نشدن سرمایه سرمایه‌گذاران، مجوز انتشار اوراق را به مقدار لازم به بانک عامل اعطا کند. البته بررسی‌هایی که از سوی بانک مرکزی انجام می‌شود به این منظور است که کاملاً اطمینان حاصل گردد که سرمایه سرمایه‌گذاران از بین نمی‌رود و سودی که در نظر گرفته شده علی‌القاعده به سرمایه‌گذار پرداخت می‌گردد و بر این کار، از شرکت عامل تضمین کافی گرفته می‌شود.

در هر صورت، چنین نیست که اگر اتفاقاً ضرری متوجه سرمایه‌گذاری شد، سهامدار در آن شریک نباشد. اما مبنای کار دولت یا شرکت‌ها و مؤسسات دیگر این است که با بررسی‌هایی که

بسیاری از کارمندان بانک‌ها از زمان طاغوت باقی مانده‌اند و یا درست توجیه نشده و آموزش ندیده‌اند و نسبت به احکام شرعی چندان توجه ندارند. بنابراین، ممکن است در اجرا، چندان ضوابط را رعایت نکنند. اگر هم به آنها اشکال بگیریم که چرا این‌طور عمل می‌کنید، می‌گویند: معاملات ما مشروع است، در حالی که ممکن است خلاف شرع باشد. مردم هم معمولاً می‌خواهند هم سود شرعی به دست بیاورند، هم مطمئن باشند که پولشان از بین نمی‌رود.

اما در شکل مشارکت، وقتی مردم در بانک سرمایه‌گذاری می‌کنند، با بانک قراردادی امضا می‌کنند که تمام مفاد آن شرعی است، با سرمایه‌گذار قرارداد می‌شود که پولش به مصارف شرعی و سود آورد برسد. این کار اشکالی ندارد، هرچند ممکن است در آن تخلفاتی هم صورت بگیرد که البته اگر مسؤولان بانک‌ها به کارمندان‌شان آموزش بدهند، این اشکالات تا حد زیادی رفع می‌شود. نباید این‌طور باشد که پولی را که باید مثلاً به مصارف کشاورزی برسد، صرف کار دیگری بکنند. اگر این‌طور باشد مرتکب حرام شده‌اند. یا مثلاً، نباید با پولی که به عنوان مضاربه از بانک گرفته می‌شود خانه بسازند. این خلاف است. ممکن است این‌گونه کارهای حرام انجام شود، ولی قراردادهای در نظر گرفته شده وجهه شرعی دارد و پول‌ها باید به مصارف شرعی برسد.

در امور بانکی، آیا عقد صلح می‌تواند محدود باشد؟

با صلح نمی‌توان ربا گرفت. مشارکت هم احکامی دارد. مشارکت آن است که دو نفر در سرمایه‌ای شریک باشند گرچه با یکدیگر صلح کرده باشند. این حقیقت مشارکت است، حتی اگر مقداری از سرمایه از بین برود. این صلح مربوط به ذات مشارکت است نه عقد مشارکت.

از آن جا که در این نوع مشارکت، خریدار اوراق در زیان شریک نیست، حکم آن چگونه است؟

انجام می دهند، حتماً سرمایه گذاری سودآور باشد.

به خاطر دارم در جلسه‌ای که با مسئولان اقتصادی و رئیس بانک مرکزی کشور داشتیم، آقای نوربخش می گفتند ما حساب می کنیم. اگر هر سرمایه گذاری دست کم ۲۵٪ سوددهی نداشته باشد، به سرمایه گذار پول قرض نمی دهیم. البته قریب ۲۱٪ از سود حاصل شده را شرکت موظف است به بانک بپردازد، ۲۰٪ آن را به مردم بدهد و قریب ۴٪ باقی مانده هم متعلق به شرکت است.

در این گونه مشارکت‌ها، چون شرکا مختلف‌اند و برخی از آن‌ها اهل حساب سال نیستند، حکم سود حاصل شده چیست؟ همچنین بانک‌ها معمولاً جهات شرعی را رعایت نمی کنند. با این وجود، آیا باز هم می توان اقدام به خرید اوراق مشارکت کرد؟

سؤال از دو بخش تشکیل شده است: یکی این که برخی از شرکا اهل حساب سال نیستند و دیگر آن که بانک‌ها جهات شرعی را رعایت نمی کنند. در مورد بخش اول سؤال، سود حاصل شده اشکال پیدا نمی کند؛ زیرا بر فرض مشارکت در سرمایه گذاری با شرکت یا سازمانی خاص، اگر پول حرامی هم در این مشارکت وجود داشته باشد، آن شرکت یا سازمان عامل، مالک همان مقدار پول حرام نمی شود. به عنوان مثال، ممکن است ده سهم از هزار سهم شرکتی متعلق به شخصی باشد که خمس نداده، تصرف در ۹۹۰ سهم باقی مانده که مشمول خمس نبوده، جایز است. سرمایه گذاران به نسبت سرمایه شان، مالک سود هستند و تنها شخص خمس نداده در ازای ۱٪ سرمایه اش بدهکار است و دولت هم به همین نسبت که مالک سود حاصل شده از سرمایه گذاری نمی شود، باید از ولی امر کسب اجازه کند تا بتواند در آن تصرف نماید.

از آن جا که با این وجوه (وجوه حاصل از اوراق مشارکت) معمولاً کار اقتصادی صورت نمی گیرد، بلکه این وجوه صرف هزینه‌های جاری دولت می شود، شرکت در این طرح‌ها چه حکمی دارد؟

از ظاهر سؤال چنین برمی آید که وجوه حاصل از فروش اوراق مشارکت صرف کار اقتصادی نمی شود، بلکه برای تأمین هزینه‌های جاری دولت صرف می شود و دولت با انتشار اوراق مشارکت، صورت‌سازی می کند. بر این اساس، اشکال شده است که سرمایه متعلق به مردم است و دولت حق دخل و تصرف در آن را برای صرف در غیر آنچه سرمایه گذاری شده ندارد. چنین کاری حرام است و چون دولت حق نداشته آن را صرف کار دیگری بکند، مردم حق تصرف در سود دریافتی را ندارند، دولت در ازای تصرف در مال غیر، ضامن است، سود پرداختی از سوی دولت هم در حکم ربا می باشد.

اما معمول چنان است که - همان گونه که در مورد اجازه مجلس به وزارت نیرو ذکر شد - سهام فروخته شده به مردم صرف کارهای مورد نظر شود و دولت یا شرکت‌های خصوصی حق ندارند غیر از این عمل کنند و چون چنین می کنند سود حاصل شده مشروع است. اما اگر خلاف این کردند مسئول‌اند و آنچه را موظفند بپردازند اصل پول است که به آن سودی تعلق نمی گیرد؛ مثل پولی که غاصبانه تصرف شده باشد و آنچه بر عهده غاصب می باشد اصل پول است، نه سود آن.

اما چنین کاری در سرمایه گذاری‌های دولتی معمولاً انجام نمی شود و بنابر آن است که پول‌هایی که گرفته می شود صرف کار مورد توافق بشود و اگر انسان نداند که آیا صرف کار مورد نظر می شود یا نه، حمل بر صحت می شود و باید گفت: این کار را درست انجام داده‌اند. اگر انسان در این باره شک کند، گرفتن سود مانعی ندارد و علی القاعده در این باره، جای شک نیست. پس این موضوع منتفی است و ظاهراً این وجوه صرف هزینه‌های جاری دولت نمی شود و اگر دولت یا شرکتی چنین خلافی مرتکب شد حق پرداخت سود ندارند.

در مورد بخش دوم سؤال، بحث این است که از کجا می توان پی برد که بانک‌ها جهات شرعی را رعایت نمی کنند، در حالی که بانک‌ها همه می خواهند کاری انجام دهند که سودآور باشد. بانک‌ها بر اساس آنچه در قانون آمده، یک واسطه مالی و وثوق‌اند برای این که مردم اعتماد کنند و اوراق مشارکت را خریداری نمایند تا هر کس بتواند به نسبت مبلغی که پرداخته است در سرمایه گذاری شرکت کند. این سؤال در صورتی مصداق پیدا می کند که خود بانک بخواهد کاری را انجام بدهد، وگرنه وقتی او پول دریافتی را به شرکت‌های سرمایه گذار می دهد، سؤال مزبور منتفی است.

آیا تأسیس این اوراق برای فرار از ربا نیست؟

خیر، زیرا اصل این است که دولت می خواهد به عنوان مثال، شبکه‌های آبیاری احداث کند، مردم سرمایه گذاری کنند، دولت هم آن را بخرد. اما اگر دولت پولی را به عنوان وام بگیرد و برای آن سودی اختصاص دهد، این ربا قرض است.

تضمین سود برای اوراق مشارکت ملی چگونه است؟ آیا قاعده «لا ربا بین الوالد و ولده» در بین دولت و مردم هم جاری است؟

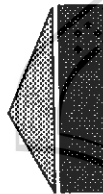


پرداختی دولت به صورت علی الحساب است و طرح را پس از اتمام از مردم می‌خرد؛ یعنی: دولت به صورت علی الحساب مبلغی را به عنوان سود می‌پردازد تا وقتی کار تمام شد آن را بابت سود محاسبه کند. این کار اشکالی ندارد. این سود علی الحساب به منزله قرض است و در نهایت، از سود حاصل شده برداشت می‌کند. در این سرمایه‌گذاری، با وجود آن‌که خود سرمایه‌پذیر سود مشارکت را تضمین می‌نماید ماهیت ربوی پیدا نمی‌کند. معمولاً در این سرمایه‌گذاری‌ها، بانک به عنوان ضمانت، چک‌های تضمین شده به مردم می‌پردازد تا مردم از بازپرداخت سرمایه و سود خود از جانب دولت اطمینان داشته باشند. این هم ربا نیست؛ همانند وامی است که شما از صندوق قرض الحسنه می‌گیرید و برای حصول اطمینان نسبت به بازپرداخت، شما را ملزم می‌کنند دو فقره چک بابت وجه الضمان به صندوق بدهید تا اگر وجه را نپردازید، صندوق بتواند مبلغ پرداخت کرده را وصول کند. چک‌های تضمینی بانک هم در همین حکم است.

و اما در مورد سؤال‌های قاعده حکم «لا ربا بین الوالد و ولده» هم بین دولت و مردم وجود ندارد.

پاسخ سؤال ادل روشن است؛ زیرا نمونه آن را درباره تبصره ۴۸ قانون بودجه سال ۷۷ عرض کردم. در اوراق مشارکت ملی، مردم و دولت در زمینه‌ای خاص سرمایه‌گذاری می‌کنند. بانک هم سود این سرمایه‌گذاری را تضمین می‌کند؛ یعنی: تضمین می‌کند که سود حاصل شده را به سرمایه‌گذاران بپردازد، همان‌گونه که افراد معمولی هم قول می‌دهند کاری را انجام دهند. اگر درصدی برای سود سرمایه‌گذاری در نظر گرفته شده به معنای آن است که بانک تعهد می‌کند، هم اصل سرمایه را بازگرداند و هم سود آن را. از این لحاظ، اشکالی پیش نمی‌آید. در مورد فعالیت‌هایی که وظیفه دولت است انجام دهد، اما برای انجام آن‌ها از مشارکت مردم استفاده می‌کند. مثلاً، احداث جاده - در این موارد، دولت به عنوان وکالت از مردم، با تصرفی که در پول آن‌ها می‌کند، کاری را انجام می‌دهد و حاصل آن را از مردم خریداری می‌کند، اگرچه این کار با کار اقتصادی که در بازار انجام می‌شود، شباهتی ندارد. اما در هر صورت، چون کاری سودآور است اشکالی پیش نمی‌آورد، هرچند از ابتدا سودآوری نداشته است و دولت سود آتی را زودتر پرداخت می‌کند.

در بین تمامی این سرمایه‌گذاری‌ها، آیا واقعاً یک طرح هم نیست که با شکست مواجه شود؟ اگر هست، پس چگونه دولت سود سرمایه‌گذاری را تضمین می‌کند؟



از نظر فقهی و شرعی، حکم مسأله این است که اگر به سرمایه‌گذاری ضرری رسید، زیان حاصل شده به مجموع سرمایه‌گذاران تعلق دارد؛ مثلاً، اگر سیصد میلیارد ریال از مردم گرفته شده اما کار انجام شده به این مبلغ فروخته نشده، این سرمایه‌گذاری با شکست مواجه شده است و زیان به وجود آمده در بین همه سرمایه‌گذاران به نسبت شرکتشان در اصل سرمایه، تقسیم می‌شود. اما بر حسب آنچه در دست است، تاکنون ضرری مشاهده نشده. در طرح‌های تصویب شده هم اصل بر این فرض قرار گرفته که سرمایه‌گذاری سودده باشد و متعریض زیان احتمالی سرمایه‌گذاری نشده‌اند. آنچه را هم که در مصوبات برای پرداخت سود قطعی شرط می‌شود در واقع، قول پرداخت است؛ مثلاً، وزارت نیرو مکلف است این پول را در مورد خاصی صرف کند و حق ندارد آن را در جای دیگری خرج کند. بنابراین، اگر به عنوان تبلیغ چنین قول‌هایی داده می‌شود برای آن است که مردم مطمئن شوند ضرر نمی‌کنند. اما چنین قولی داده نمی‌شود که اگر اتفاقاً سرمایه‌گذاری ضرر کرد، دولت یا شرکت سرمایه‌گذار آن را جبران کند. اما این اشکالی ندارد که مثلاً، مدیر عامل شرکتی شرط کند که اگر سرمایه‌گذاری با زیان مواجه شد، خودش زیان را بپردازد.

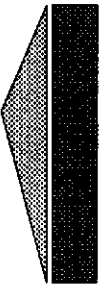
این مسأله به اوراق مشارکت اختصاص ندارد، در همه جا چنین اشکالی مطرح است؛ چون اعلام می‌شود به روزشمار این سرمایه‌گذاری‌ها سود پرداخت می‌شود. اما بر اساس آنچه در ماده اول قانون مشارکت ملی آمده است، به منظور مشارکت عموم در اجرای طرح‌های عمرانی - انتفاعی دولت، این مشارکت انجام می‌شود. سودی که در این طرح‌ها در نظر گرفته می‌شود با ملاحظه این موضوع است که پس از بهره‌وری، دولت آن را با ۲۰٪ سود خریداری می‌کند. این به واقع روزشمار نیست، بلکه سود



دولت یک شخص حقیقی نیست که خودش بتواند در مورد کارهایش تصمیم بگیرد، بلکه نماینده رسمی مردم است و باید حافظ منافع آنان باشد. بنابراین، وقتی تعهد می‌کند که طرحی را با قیمت بیش‌تر خریداری می‌کنم و اتفاقاً آن طرح ضرر می‌کند و بر حسب تعهد، باید به قولش عمل کند، آیا چنین خریدی سببی نیست؟

حضرت امام علیه السلام می‌فرمود: یک وقت در زمان رضا خان، اعلام شد: دولت «سن»هایی را که آفت گندم است خریداری می‌کند. هیچ فرد عادی چنین معامله‌ای نمی‌کند؛ چون عین ضرر است. اما دولت برای محفوظ ماندن کشاورزی از آفت «سن» این کار را می‌کند و چنین معامله سببی نیست.

در این جا هم ممکن است افراد عادی، که گرداننده کشور نیستند، طرحی را که وزارت نیرو اجرا کرده به مبلغ تمام شده نخرند. اما وقتی مجلس بر اساس تبصره ۴۸ قانون بودجه، این وزارت را مکلف کرد، اگر هم دولت نخواهد بخرد، به دلیل این که ارزش و اعتبارش از بین می‌رود، مجبور می‌شود خریداری کند. در این حالت هم معامله از صورت سببی بودن خارج می‌شود. درست است که مردم چنین چیزی را نمی‌خرند، اما دولت صرف نظر از جهات شخصی، مسؤول اداره کشور است و ملزم می‌باشد به شرطی که کرده - و شرطش شرعی و قانونی است - عمل کند.



با توجه به این که اعلام کرده‌اند پول‌هایی را که به عنوان مشارکت در طرح‌های کشور جمع‌آوری شده پس از گذشت چند ماه، هنوز در اختیار شرکت‌ها یا مجریان انجام آن طرح‌ها قرار نگرفته است، آیا این از لحاظ شرعی، موجب اشکال در قرارداد نمی‌شود؟

خیر، وقتی دولت تعهد کرده است که طرحی را به انجام برساند، اگر در وقت معین آن را انجام ندهد، خللی به اصل قرارداد وارد نمی‌شود، مگر این که قرار کرده باشد آن را در موقع معینی اجرا کند. در این صورت، خلاف شرع است. حتی در مورد پولی که شما در بانک پس‌انداز می‌کنید، واقع آن است که بانک عین پول شما را به شما بازپس نمی‌دهد، بلکه این اقراض است؛ یعنی: معادل و مساوی آن را به شما می‌دهد. در این مورد هم وضع به همین صورت است: لازم نیست که دولت عین همان پولی را که به عنوان مشارکت گرفته به مصرف طرح‌های مورد نظر برساند. از این تأخیر در مصرف، این موضوع معلوم نمی‌شود که دولت این پول را صرف کار دیگری کرده است. وقتی قرار بر این است که دولت با

وجوه جمع‌آوری شده از اوراق مشارکت، کاری انجام دهد، لازم نیست با عین این پول کار مورد نظر را انجام دهد. بنابراین، اگر با این پول کار دیگری هم انجام دهد اشکالی پیش نمی‌آید؛ مثل این که شما پولی را به حساب شخص خاصی در بانک واریز می‌کنید. در این فرض، در همان وقت ممکن است پول شما را به شخص دیگری که حامل چک دیگری است پرداخت کند و از ناحیه شما هم هیچ مانعی نیست؛ شما فقط به مقدار مبلغی که واریز کرده‌اید، از بانک طلبکارید.

بنابراین، اگر شما در مشارکت شرکت کرده‌اید، این توقع را ندارید که با عین پول شما کار مورد نظر انجام شود. عین پول در اختیار بانک است و به هر مصرفی که بخواهد، می‌رساند. بانک حافظ عین پول هیچ‌کس نیست و هیچ‌کس چنین معنایی از بانک نمی‌کند، بلکه می‌دانیم که پول در اختیار بانک است و او به هر صورتی که خواست از آن استفاده می‌کند. در این مشارکت‌ها هم با این که دولت وکیل مردم است تا آن‌ها را در طرح‌هایی شرکت دهد، با این وجود، وکیل نیست که عین پول آن‌ها را به مصرف برساند و با وجود آن که مدتی پول آن‌ها را راکد نگه داشته، چون شرط نکرده بوده که از همان ابتدا آن را به کار بگیرد، اشکالی پیش نمی‌آید. مصلحت موکل هم به خطر نمی‌افتد؛ چون در هر صورت، مطابق قرارداد عمل کرده است و در قرارداد، تاریخ معینی برای به کارگیری پول مردم ذکر نشده است. چنین هم نیست که دولت بابت هر روز، سود به سرمایه‌گذاران بپردازد، بلکه واقع مطلب آن است که باید کاری را انجام دهد - مثلاً، لوله کشی آب شهری را انجام دهد - و تا زمانی که این کار انجام نشده، سرمایه‌گذار مالک هیچ سودی نشده است، جز اصل سرمایه خودش. بنابراین، این گونه نیست که هر چند گاه به سرمایه‌اش اضافه شود، بلکه وقتی کار انجام شده رادولت بخرد به آن سود تعلق می‌گیرد و در این موقع است که سرمایه‌گذار، هم مالک سرمایه است و هم مالک سود آن.

به عنوان مثال، در تبصره ۴۸ قانون بودجه که خواننده شد، دولت موظف است پس از انجام عملیات اجرایی طرح‌های تأمین آب و شبکه‌های زه‌کشی، کار انجام شده را با سود خریداری نماید. پس از خرید، کار انجام شده به پول تبدیل می‌شود. حال ممکن است به عنوان مثال، من که سرمایه‌گذار بوده‌ام و در این طرح شرکت کرده‌ام، مثلاً، به مبلغ صد هزار تومان سرمایه‌گذاری کرده باشم، اما اوراق مشارکت خودم را به مبلغ صد و ده هزار تومان بفروشم. در این صورت، در واقع، من مقداری را که در این مشارکت سهم دارم به مبلغی گران‌تر فروخته‌ام. این کار هم اشکالی ندارد، البته به شرطی که کار شروع شده باشد. اما اگر کار شروع نشده و پول هنوز راکد باقی باشد، این بحث مطرح می‌شود که آیا می‌توان پول را به مبلغی گران‌تر از اصل آن فروخت یا نه؟ این بحث دیگری است و مجال دیگری می‌طلبد. ■